پرسش ها و پاسخ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش نویسنده: علی راضی تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۶

آیا یاد گرفتن سحر و جادو به منظور باطل کردن و بی اثر کردن آن و یا استفاده در جهت مشروع (مثلاً ضربه زدن به دشمنان اسلام) جایز است؟

پاسخ تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۰

همچنانکه آتش با آتش خاموش نمی‌شود، جادو با جادو باطل نمی‌شود، بلکه با دعا به درگاه خداوند و تلاوت آیات او باطل می‌شود؛ چنانکه فرموده است: ﴿قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ﴾[1]؛ «موسی گفت: چیزی که آوردید جادو است، هرآینه خداوند آن را باطل خواهد کرد». وانگهی چیزی که به دشمنان اسلام ضربه می‌زند جادو نیست، بلکه اقامه‌ی اسلام است و با این وصف، جادوگری مطلقاً جایز نیست، هر چند آگاهی یافتن از روش‌های آن برای پیشگیری از آن یا تمییز آن از معجزه در مواقع ضرورت، اشکالی ندارد؛ چنانکه خداوند درباره‌ی هاروت و ماروت فرموده است: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾[2]؛ «و (جادو را) به احدی نمی‌آموختند مگر آن گاه که می‌گفتند: ما تنها آزمایشی هستیم پس کافر نشو»؛ یعنی از چیزی که فرا می‌گیری استفاده نکن؛ همچنانکه ارتباط با شیاطین جز برای خلیفه‌ی خداوند در زمین جایز نیست؛ چنانکه درباره‌ی سلیمان علیه السّلام فرموده است: ﴿وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾[3]؛ «و از جن کسانی پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند» و آشکار شدن آنان برای اولیاء خداوند، ارتباط با آنان شمرده نمی‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«ذُكِرَ عِنْدَ الْمَنْصُورِ أَحْمَدُ الْحَسَنُ، فَقَالَ: أَدْرَكْتُ شَيْطَانَهُ بِمُلْتَقَى الطَّرِيقَيْنِ، فَأَرَدْتُ أَنْ

۱. یونس/ ۸۱
۲. البقرة/ ۱۰۲
۳. سبأ/ ۱۲

أَقْتُلَهُ فَهَرَبَ مِنِّي! أَلَا وَاللَّهِ لَوْ قَتَلْتُهُ لَارْتَاحَ الرَّجُلُ كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ! قُلْتُ: أَلَهُ شَيْطَانٌ -جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَيُقَالُ لَهُ الْمُتَكَوِّنُ، يَأْتِيهِ وَأَصْحَابَهُ فِي كُلِّ صُورَةٍ فَيُغْوِيهِمْ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يَأْتِيهِمْ فِي صُورَةِ الْمَهْدِيِّ»[1]؛ «نزد منصور از احمد الحسن یاد شد، پس فرمود: شیطانش را بر سر دوراهی یافتم، پس خواستم که او را بکشم، ولی از من گریخت! به خدا سوگند اگر او را می‌کشتم، مرد راحت می‌شد، چنانکه گویی از بند رها شده است! گفتم: آیا برای او شیطانی هست -فدایت شوم؟ فرمود: آری و نام آن <متکوّن> است، با هر چهره‌ای به نزد او و یارانش می‌آید و آنان را می‌فریبد، جز اینکه با چهره‌ی مهدی به نزد آنان نمی‌آید!».





۱. گفتار ۱۹، فقره‌ی ۶